

اندیشه‌های زرین

مسلمانان

گردآوری
آنه‌اری سینل

به کوشش و ترجمه:

دکتر سید سعید فیروزآبادی



www.ketab.ir

Schimmel, Annemarie

آنهماری، شیمیل،
اندیشه‌های زرین مسلمانان / گردآوری: آنهماری شیمیل؛ به کوشش و ترجمه‌ی سیدسعید
فیروزآبادی.

تهران: بدیهه، لیوسا.

۲۶۲ ص.

فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.

Weisheit des Islam

عنوان اصلی:

موضوع: اسلام - کلمات قصار - احادیث - مسائل متفرقه - ضرب‌المثل‌های فارسی

۹۷۱۳۹۱ ش ۲ / ف / ۵۹ / ۶۰ PN

۸۰۸/۸۸۲

۲۹۳۸۲۶۸

شماره کتابخانه ملی ایران



اندیشه‌های زرین مسلمانان

پروفسور آنه‌ماری شیمل	گردآوری
دکتر سیدسعید فیروزآبادی	به کوشش و ترجمه‌ی
اول ۱۳۹۲	نوت چاپ
۱۱۰۰ نسخه	تیراژ
نیکا چاپ	چاپخانه
منصوری	صحافی
۸۵۰۰ تومان	قیمت
۹۷۸-۶۰۰-۵۷۱۵-۲۳-۱	شابک

انتشارات بدیبه

خیابان کارگر جنوبی - پایین ترار خیابان جمهوری

کوچه گلکار - پلاک ۳ تلفن: ۶۶۴۹۷۲۶۱ - ۶۶۴۹۷۳۰۹

مرکز توزیع بخش دُرسا: ۶۶۹۶۳۰۳۵ - ۶۶۴۶۶۹۵۹ - ۶۶۴۶۴۵۷۷

فهرست

یادداشت.....	۷.....	ارزش سخن انسان.....	۱۶۵.....
مقدمه.....	۸.....	در باب نبرد ظاهری و.....	۱۷۵.....
حکمت‌های زندگی.....	۲۹.....	در باب ظالمان و منافقان.....	۱۸۱.....
جهان.....	۳۸.....	توکل و ایمان به خدا.....	۱۹۳.....
انسان.....	۵۵.....	مرگ - هراس انگیز و جذاب.....	۱۹۷.....
زنان.....	۶۷.....	در باب عشق که.....	۲۱۳.....
روابط انسان‌ها.....	۸۷.....	خدا.....	۲۱۷.....
در باب نیکوکاری.....	۹۷.....	اهمیت دعا و سپاس.....	۲۲۵.....
در باب فقر، قناعت و ثروت.....	۱۰۹.....	لا اله الا الله.....	۲۳۳.....
مسئولیت انسان.....	۱۲۳.....	نیکی و رحمت پروردگار.....	۲۴۷.....
علم، حکمت - خطرات بلاهت.....	۱۳۳.....	ذات پروردگار.....	۲۵۹.....
در باب غرور و خودپسندی.....	۱۴۹.....		
در باب معاشرت با مردمان پست و			
ناخوشایند.....	۱۵۳.....		

کتاب حاضر مجموعه‌ای از گفته‌های حکیمانه مسلمانان جهان به انتخاب بانو آنه‌ماری شپیل (۱۹۲۲ - ۲۰۰۳) اسلام‌شناس و ایران‌شناس بزرگ معاصر، است. همان‌گونه که از مقدمه‌ی ایشان در آغاز کتاب حاضر برمی‌آید، ایشان در گذر بیش از شصت سال پژوهش در زمینه‌ی اسلام و ترجمه‌ی بسیاری از آثار ادبیات فارسی و عربی و ترکی، چنان با ظرایف فرهنگ اسلامی آشنایی دارد که انتخابی دقیق را انجام بدهد و تصویری مطابق با واقعیت را در ذهن مخاطبان خود پدید آورد. بدیهی است که این مخاطبان در اصل آلمانی‌زبانان بوده‌اند و حال با انتشار این اثر به زبان فارسی، این گفته‌های حکیمانه به نوعی به موطن اصلی خود بازمی‌گردند.

مجموعه حاضر از آیه‌های قرآن مجید، احادیث و سروده‌های شاعران مختلف تشکیل می‌شود. در اصل کتاب فقط به ذکر نام اکتفا شده بود و به همین دلیل نیز از برادر ارجمندم جناب آقای روح‌الله

مدامی که در دانشگاه همکارم بود، برای بررسی صحت احادیث یاری جست. ایشان با بزرگواری و دقت فراوان در این کار به من یاری رساندند که از ایشان در اینجا تشکر می‌کنم.

در پایان امیدوارم که این مجموعه همچون دیگر آثار بانو آنه‌ماری شیمل مخاطبان خود را یابد و در طی طریق بازگشت به میهن اصلی خود بی‌گزند بماند.

دکتر سید سعید فیروزآبادی

مقدمه

روزی کسی از حضرت علی (ع) پرسید که نیک‌بختی چیست. آن حضرت چنین پاسخ فرمودند:

نیک‌بختی مال بسیار و فرزندان پرشمار تو نیست.
نیک‌بختی آن است که دانش تو فزونی گیرد و بردباری تو
بیشتر شود و به پرستش پروردگار مباحث کنی. اگر نیکی
کردی، شکر آن را به جا آوری و اگر بدی کردی، استغفار
کنی.

دنیا زیبا است، ولی برای آن کس که مرتکب گناهی
شده است و قصد توبه دارد و آن دیگری که به قصد
انجام کارهای نیک می‌شتابد، زیباتر است.

این سخنان نمونه‌ای بس دقیق از اندیشه‌های زرین مسلمانان است،
زیرا هدف اصلی زندگی مردم مشرق‌زمین را بیان می‌کند. در قرآن مجید

از کسانی که امر به معروف و نهی از منکر می‌کنند، تمجید شده است (سوره آل عمران ۱۱۰؛ لقمان ۱۷). از این‌رو، سخنان حکیمانه‌ی مسلمانان در ستایش رفتار صادقانه و قناعت، و در مذمت کسانی است که اسیر این دنیا شده‌اند، توکل خود را از دست داده‌اند، دین خویش را به فراموشی سپرده‌اند و ناسپاسی و ناشکیبایی می‌کنند، همان‌طور که بارها در قرآن کریم، به این مسائل اشاره شده است.

سخنی که در آغاز آوردیم، به علی بن ابی‌طالب (ع)، پسرعمو و داماد پیامبر، محمد (ص) و نیز چهارمین خلیفه منسوب است که در سال ۳۵ هجری قمری به خلافت رسید و پنج سال بعد ایشان را به شهادت رساندند. از دیدگاه شیعیان علی (ع) - پیروان علی (ع) - او نخستین امام، تجسم فضیلت‌ها، گنجینه‌ی حکمت و بهلولان نبی‌ها است. از پیامبر اسلام محمد (ص) نقل است که فرمودند: «من شهر علم هستم و علی دروازه‌ی آن». به همین دلیل نیز حتی سایر مسلمانان نیز برای علی (ع) احترام بسیاری قائل هستند. از این‌رو، هیچ جای شگفتی نیست که سخنان و اندیشه‌های حکیمانه‌ی منسوب به آن بزرگوار را گردآوری

کنند. شریف رضی یا سید رضی (فوت ۴۰۶ هجری قمری) سخنان علی (ع) را در نهج البلاغه گرد آورد. این کتاب، مجموعه‌ای عظیم است که سبکی دقیق و جذاب دارد و به همین دلیل - همچون بسیاری از آثار بزرگ منشور عربی - ترجمه‌ی کامل و دقیق آن ممکن نیست. اما نمی‌توان دلیل جذابیت نهج البلاغه را صرفاً سبک آن دانست، بلکه این اثر مجموعه‌ای از سخنان هوشمندانه، عبرت‌آموز و در عین حال سرگرم‌کننده است که در کل آن را بخشی از آثار «ادب» می‌نامند، زیرا «اعجاز اعجاز»، یعنی «فصاحت و بلاغی تولیدناپذیر» در عین اختصار است.

گفته‌های منسوب به حضرت علی (ع) معمولاً جدی و انتقادی است و گونه‌ای از سخن است که در دوره‌ی پیش از اسلام و صدر اسلام از زبان بزرگان اقوام و حکما بیان می‌شده است. همین موضوع در احادیثی که سخنان پیامبر اسلام و یا بیان رفتار ایشان از زبان دیگران است، دیده می‌شود. در این احادیث حتی کوچک‌ترین جزئیات زندگی ایشان نقل شده است. احادیث صحیح را پس از بررسی دقیق از قرن سوم هجری

در مجموعه‌هایی گرد آورده‌اند.

در زمان گذشته گونه‌ی ادبی «ادب» که جمع آن «آداب» می‌شود، دستخوش تحولات فراوانی شده است. این آثار مجموعه‌ای از حکمت‌های زندگی بوده‌اند که در قالب مشخص و جدی و به صورت منطقی و علمی ارائه نمی‌شدند، بلکه سبک آنها ساده و دلنشین بوده است. ابن مقفع که ایرانی بود، نخستین کسی است که این نوع ادبی را مطرح کرد. این واقعیت که ابن مقفع مجموعه حکایت‌های هندی کللیله و دمنه را از فارسی به عربی ترجمه کرد، نشان می‌دهد که تحولی مهم رخ داده است، یعنی حکمت ایرانی به عالم عرب راه یافته است. همان‌گونه که در عربستان و نیز در قرآن مجید (سوره‌ی لقمان) از لقمان حکیم سخنانی نقل می‌شود و در سوره‌ی نحل از وزیر هوشمند سلیمان (بنابر نظر مفسران آصف) گفته‌ای آمده است، از وزیر خسرو انوشیروان، بزرگمهر حکیم، نیز حکایت‌هایی نقل می‌شود که در آنها او به پادشاه حکمت می‌آموزد.

دیمیتری گوتاس^۱ نشان داده است که مجموعه‌هایی از سخنان حکیمانه‌ی یونانی از مراجع مهم در ادب اسلامی بوده‌اند. نمونه‌ی بارز آن وجود *اسکندرنامه* به‌صورت مختلف در سرزمین‌های مشرق زمین است. در این آثار از اسکندر - ذوالقرنین - و فیلسوفان پیرامون او پیوسته در ادبیات یاد می‌شود. نمونه‌ی بارز آن نیز کتاب عظیم و دو بخش *اسکندرنامه* اثر نظامی شاعر ایرانی (فوت ۶۰۷ هجری قمری) است. خواندن آثار ادب دلنشین بوده است و بنابر نظر ابن مقفع این سنت ادبی به جاحظ (فوت ۲۵۵ هجری قمری) نویسنده‌ی ادب بازمی‌گردد. ترکیب خوشایند علم، امید و آموزش باعث شد که این نوع ادبی محبوب‌ترین نوع در سده‌های میانه و در شرق و غرب و در زبان عربی و بعدها فارسی و ترکی، و در نهایت اردو بشود. افزون بر آثار ادب، نوع ادبی خاصی برای نصیحت کردن اعضای یک صنف خاص هم وجود دارد که برای مثال با عنوان *ادب الکاتب* به معنی ادب دبیران یا منشیان از آن یاد می‌کنند، زیرا منشیان ناگزیر بودند

آموزش‌های خاصی را ببینند. اما قاضیان و طیبیان، قاریان و خوشنویسان نیز کتاب‌های ادب داشته‌اند؛ از یاد نبریم که صوفیان نیز در کتاب‌های خاص خود شیوه‌ی رفتار صحیح هنگام خوردن و آشامیدن، رابطه با برادران خود، حین سفر و رفتار با هموعان و استادان را ذکر کرده‌اند. می‌توان گفت که همه‌ی کتاب‌های بزرگ سده‌های میانه‌ی صوفیان، از کتاب *لمعه سراج* تا *احیاء علوم‌الدین* غزالی و *آداب المریدین* ابونجیب سهروردی کتاب‌های ادب بوده‌اند و فریتس مایر^۱ به درستی پژوهش خود درباره‌ی کتاب بخاری را، کتاب *راهنمای صوفیان*^۲ نامیده است. در اینجا باید همچنین از یک گروه دیگر از آثار ادب که برای جماعتی خاص نگاشته شده است، یاد کنیم، زیرا این آثار خود بعدها بدل به نوع ادبی خاصی شده است؛ منظورم پندهایی برای شاهان است که از قرن پنجم هجری نه فقط در قلمروی زبان فارسی، بلکه در همه جا منتشر می‌شد. نمونه‌ی آن کتاب مشهور ترکی سده‌های میانه قوتادغوبیلیک است. بسیاری از متفکران - فیلسوفان و عارفان - از این

1. Fritz Meier

2. Knigge für Sufis

نوع ادبی بهره جسته‌اند. کافی است که به /اخلاق ناصری نصیرالدین طوسی یا ذخیره الملوك مير سيد علي همدانی (فوت ۷۸۶ هجری قمری) اشاره کنیم. یکی از زیباترین آثار ادب در ادبیات اسلامی که ویژگی‌های یاد شده را دارد و در عین حال بسیار دلکش و آموزنده است و سبکی زیبا دارد و آکنده از هوشمندی و آگاهی است، گلستان سعدی (فوت ۶۹۱ هجری قمری)، اثر بزرگ‌ترین شاعر اخلاق‌گرای فارسی است. هر در^۱ در سال ۱۷۹۰ میلادی درباره‌ی سعدی می‌نویسد:
به نظر می‌رسد که او اوج شعر اخلاقی به زبان خود
بوده است و نوشته‌هایش به این زبان بسیار دلکش است...

زیرا گلستان سعدی اثری به نثر و نظم است که «به هر کس هر چه را دوست داشته باشد، ارزانی می‌دارد» (هانس هاینریش شلدر^۲). گزیده‌ی گلستان سعدی را آندره ریه^۳ به فرانسوی ترجمه کرد و ۱۶۵۴ آدام

1. Herder

2. Hans Heinrich Schaefer

3. André Rye

اولثاریوس^۱ آن را به زبان آلمانی برگرداند. در عین حال ترجمه‌های
چندین مهم دیگری نیز از گلستان انجام پذیرفت. این اثر نسل‌های
بسیاری را متون خود کرد و هر در و گوته و بعدها امرسن^۲ مسحور آن
شدند. البته فقط این کتاب باغی از گل نیست، بلکه بوستان سعدی هم
سخنان حکمت‌آمیز بسیاری را به نظم در خود دارد. روکرت^۳ این اثر را
به زبان آلمانی برگردانده است. قرن‌ها گلستان کتاب درسی کودکان
مسلمانی بود که می‌خواستند فارسی بیاموزند و به این ترتیب اندیشه‌های
آن در بخش شرقی جهان اسلام منتشر شد. در سروده‌های شاعر پشتو
خوشحال خان خٔک (فوت ۱۸۸۱ هجری قمری) بخش‌هایی را می‌توان
یافت که تأثیر پذیرفته از کلام سعدی است. تازه بعدها پس از مرگ او
بود که یکی از پسرانش کل گلستان را از فارسی به پشتو ترجمه کرد.
بدیهی است که شاعران بزرگ عارف همچون فریدالدین عطار و
به‌خصوص مولانا جلال‌الدین رومی بلخی در سروده‌های خود از همان

1. Adam Olearius
3. Friedrich Rückert

2. Emerson

حکایت‌های پندآموز گذشته بهره برده‌اند و گاهی آنها را به شکلی غریب درآورده‌اند. با این حال، گرایش به پروردگار غایت سروده‌ها و نیایش‌های آنها بوده است. حتی در غیردینی‌ترین سروده‌های آنان - به خصوص در آثار مولوی - پیوسته تفسیری دینی نهفته است و سخن از وحدت لایزال الهی و قدرت و رحمت گسترده‌ی پروردگار به میان می‌آید.

اما این خداوند یگانه را که قرآن وحی او است، نمی‌توان به قالب سخن انسان توصیف کرد و با ابزارهای عقلی وجود او را دریافت. دو وجه جمال و جلال که همان زیبایی و قدرت و شوکت مطلق است، جلوه‌هایی از ذات باری است. آنچه در عالم رخ می‌دهد، بین این دو جنبه‌ای در نوسان است که یگانگی آشکار پروردگار را در آن می‌توان دید، زیرا با خلقت عالم یگانگی مطلق بدل به دوگانگی ظاهری می‌شود که همان قطب مثبت و منفی، نبض هستی و نفس کشیدن برای زندگی است.

به همین دلیل گوته در دیوان غربی - شرقی به پیروی از سنت اسلامی

چنین می‌سراید:

در هر نفسی دو نعمت موجود است...
خدا را سپاس بگذار، هر بار که تو را می‌فشرد
و خدا را سپاس بگذار، هر بار تو را دوباره رها
می‌کند.

زندگی فقط بین این دو قلب ممکن است؛ آن کس که از «روز» یاد
می‌کند، «شب» را هم در نظر دارد؛ «مرد» بدون «زن» در نظر نمی‌آید؛ یاد
«سلامتی» با آگاهی از «بیماری» ممکن است. از این‌رو، آدمی در
باریکه‌ای میان خوبی و بدی، نرمی و سختی گام برمی‌دارد. اما درباره‌ی
هیچ یک از این دو جنبه نباید گزافه‌گویی کرد، زیرا بنا بر حدیثی
«خیر الامور اوسطها» (بهترین امور معتدل‌ترین آنها است) نباید هیچ
بخشی از دین را جدا از سایر بخش‌ها در نظر آورد. این موضوع در
باب کل امور عالم و خود عالم هم صادق است.
هر مسلمانی می‌داند که خداوند عالم را آفریده است، ولی نخستین

زاهدان مسلمان همچون همتایان مسیحی خود، عالم را رقیبی خطرناک و عجززده‌ای زشت‌منظر می‌دانستند. هشدار در برابر فریب‌ها و خطرهای آن در سراسر ادبیات اسلامی مشاهده می‌شود. بی‌وفایی این عجززده‌ی بدکاره که عاشقان خویش را می‌کشد و پاره‌پاره می‌کند، حتی امروزه نیز با تصویرهایی هراس‌انگیزشان داده می‌شود. بهترین کار آن است که در غم این عالم نبود و آن را بلی برای گذر به عالم آخرت دانست. زیرا به‌رغم همه‌ی نفرت‌ها از عالم، می‌دانیم که وجود آن ضروری است. پیدایش آن بنابر خواست خدا بوده است. انسان باید در عالم منشأ اثر باشد و با عمل خیر، خویشتن را مهیای آخرت کند، عالم را مسخر گرداند و اصلاح کند (اعراف ۵۶)، بی‌آنکه خود را مالک آن بداند. ولی از دیدگاه عارفان خداوند «گنجی پنهان» است که عالم را با فروغ وجود خویش روشن کرد. از این‌رو، عالم آینه‌ای است که در آن نمودنه اسمای زیبای الهی برای آنان که می‌بینند، جلوه‌ای از وجود پروردگار است. عالمیان به پشت این آینه نظر می‌کنند که البته بس پررنگ و برق، ولی بی‌حاصل است.

از این رو، دو نور بر عالم می‌تابد: نخست نوری که مانع مؤمنان حقیقی است، زیرا بنابر سوره‌ی انعام آیه‌ی ۳۲ و دیگر سوره‌های قرآن مجید، عالم جز بازیچه و سرگرمی نیست. آیا آخرت بهتر از این عالم نیست؟ ولی از سوی دیگر، این عالم واسطه‌ای برای شناخت آیات الهی و اعمال خیر، و عشق به پروردگار و بذری برای زندگی اخروی در جهان آخرت است.

هر انسانی دو جنبه دارد. خداوند او را آفریده است و از روح خود در او دمیده است (سوره‌ی حجر ۲۹)، ذات باری فرزندان آدم را گرامی داشته است (سوره‌ی اسراء ۷۰)، ولی آدمی پیوسته در خطر است و ممکن است به پست‌ترین درکات سقوط کند (سوره‌ی تین ۵). این انسان زبون حتی به دلیل داشتن اختیار در انجام کار نیک یا بد، از فرشتگان معصوم برتر است و می‌تواند به خدا نزدیک شود و با این کار بر فرشتگان پیشی گیرد، ولی ممکن است به مرتبای پست‌تر از حیوان نیز فرو افتد. زیرا فرشته و حتی حیوان اختیار انتخاب نیک و بد را ندارند. بی‌تردید مسئله‌ی تقابل یا تضاد بین اراده و تقدیر در کلام

اسلامی همیشه مطرح بوده است. در قرآن مجید نیز بارها هر دو این موضوع‌ها کنار هم آمده است، ولی تأکید آشکار بر جبران اعمال در روز جزا نشان می‌دهد که رفتار آدمی اهمیت بسیاری دارد:

مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ خَيْرًا يَرَهُ؛ وَ مَنْ يَعْمَلْ مِثْقَالَ ذَرَّةٍ شَرًّا يَرَهُ.

پس هر که به اندازه‌ی ذره‌ای نیکی کند، آن را ببیند؛ و هر که به اندازه‌ی ذره‌ای بدی کند، آن را ببیند.

سوره‌ی زلزله ۷ و ۸

جبرگرایی که مسلمانان اغلب از آن شکایت می‌کنند، با قضا و قدر صرف و سرنوشت (که در ادبیات با عنوان «فلک» و «چرخ گردون» از آنها یاد می‌شود) ارتباطی ندارد. ایمان به «قسمت» معنایی بسیار فراتر از پذیرش حوادث و فجایع دارد، زیرا اراده‌ی الهی است که می‌داند کدام امر در آن لحظه خوب است و حتی ممکن است از نظر عقلی خیریت آن امر پذیرفتنی نباشد. این توکل بی‌مثال به حکمت پروردگار ناشی از

زیباترین نیایش‌ها، سروده‌ها و سخنان در عالم اسلامی است.

در قرآن کریم برای زنان همان فرایضی در نظر گرفته شده است که مردان موظف به انجام آن هستند، ولی بر اثر جریان‌های زهدگرایانه‌ی بعدی - همچون همه‌ی ادیان زهدگرا - به‌ظاهر از ارزش زن کاسته شده است. چون زن به‌قالب «عجوزه‌ی عالم»، «نفس» با جنسیت دستوری مؤنث در زبان عربی و اغلب برای بیان «نفس اماره» (سوره‌ی یوسف ۵۳) به کار می‌رود، احتمالاً تصویر خیالی زن، نماد این نفس سرکش حیوانی بوده است. اما ازدواج سنت پیامبر (ص) بود و به‌رغم هشدار درباره‌ی زنان و کاستی‌های آنان، پیوسته یاد پیامبر که علاقه به زنان را امری فطری می‌دانستند و نیز این نکته در خاطر زنده می‌شود که به مادران باید بیشترین احترام را گذاشت و از آنها تشکر کرد (سوره‌ی یوسف ۱۴). از دیدگاه عارفان، زن کامل‌ترین شکل تجلی جمال و زیبایی الهی است.

از گذشته‌های دور خصلت‌های نیک و بد، محاسن و مساوی انسان‌ها با هم مقایسه و بر اهمیت مکارم اخلاق تأکید شده است. اصطلاح

اخلاق در بسیاری از نوشته‌ها و از آن جمله تذهیب/الاخلاق مسکویه دیده می‌شود.

شاعران و مؤلفان فراخی آدمی را به‌خوبی می‌شناسند و از آنها نام می‌برند، نرم‌خویی، تسلط بر نفس، صبر و بزرگواری را می‌ستایند و به معاصران ناخوشایند خود در آثار منظوم و گفته‌های خویش حمله می‌برند و از آنان انتقاد می‌کنند. /اخلاق/الاشراف عبید زاکانی از مشهورترین طنزهای فارسی برای طبعی نخبگان است. در این آثار از شاهان مستبد و دمدمی مزاج و ظالم - که به‌واقع هم چنین هستند - انتقاد می‌شود؛ از این رو انتقاد از خودپسندی عالمان نیز از جمله موضوع‌های مورد علاقه در قرن‌های مختلف بوده است.

فقر و غنا نیز از موضوع‌های مطرح است. فقر واقعی که از نظر پیامبر (ص) پسندیده بود، قناعت در ظواهر نیست، بلکه در رفتار درونی نهفته است. فقیر حقیقی که این گفته‌ی پیامبر اسلام را در زندگی الگوی خود می‌کند که «الفقر فخری» (زیرا که غنای جاودانه الهی را می‌شناسد)، فردی فروتن و نرم‌خو است و فقر خویش را نشان نمی‌دهد.

زیرا به قول مولوی:

فقر را در نور یزدان جو، مجو اندر پلاس

هر برهنه مرد بودی، مرد بودی نیز سیر

فقر واقعی از دیگران هم چیزی نمی‌طلبد، زیرا سخت‌ترین بار «بار منت» است که برای هر انسان آزاده‌ای سنگین است. چه باید کرد؟ پول و زر بر همه جا تسلط دارند: «اگر طلا را روی آهن بگذاری، آهن نرم می‌شود.» آیا تلاش برای کسب مال بیشتر فایده‌ای دارد؟ روزی هر کس مقدر است؛ بنابراین تلاش زیاد کاری بیهوده است. یکی دیگر از اسمای الهی «رزاق» است و خود روزی مخلوقاتش را می‌رساند.

همچنین خداوند از مکان و زمان مرگ آدمیان آگاه است و هیچ‌کس نمی‌تواند با هیچ ترفندی از مرگ بگریزد. اندیشه‌ی مردن و رستاخیز اهمیت بسیاری در قرآن مجید دارد، زیرا آدمی از لحظه‌ی هولناکی می‌هراسد که با خدا مواجه خواهد شد و پروردگار او را برای رسیدگی به اعمالش فرا می‌خواند. ولی از دیدگاه مؤمن واقعی مرگ آغاز زندگی تازه، زندگی جاودانه در حضور پروردگار است. هیچ‌کس بهتر از مولوی

در ابیات خود مرگ را شرح نداده است و ورود آن را به کنار رفتن پرده‌ای تعبیر کرده است که حجاب رؤیای زندگی ما را از هم می‌درد. محمد اقبال لاهوری (فوت ۱۳۱۷ هجری شمسی) نیز این موضوع را به زیبایی بیان کرده است.

با این حال، این موضوع در باب کسانی صادق است که در زندگی زمینی خود آتش عشق را تجربه کرده‌اند. زیرا موضوع اصلی زندگی، عشق است - به خصوص عشقی که آدمیان را پیوسته به خدا نزدیک‌تر می‌کند. عالمان مسلمان در ابتدا از پذیرش اصطلاح «عشق به خدا» خودداری می‌کردند، ولی خیلی زود عشق الهی از موضوع‌های اصلی عرفان اسلامی شد و جفت‌های عاشق در ادبیات عربی و فارسی به نمادهایی از همان عشق الهی بدل شدند. این عشق تمامی وجود آدمی را دربرمی‌گیرد و در راه همراه اوست و حتی در این راه پر پیچ و خم و دشوار او را به خدا می‌رساند.

این راه به خدا منتهی می‌شود و خداوند در قرآن می‌فرماید: «بخوانید مرا تا اجابت کنم شما را.» (سوره‌ی غافر، ۶۰). نماز و نه فقط نمازهای

بشکاکانه‌ی یومیه، بلکه دعا و ذکر خدا اهمیت بسیاری در اسلام دارد... موضوع اصلی دعا امید است، زیرا روح انسان با دو بال بیم و امید به سمت مقصود پرمی‌کشد و به‌رغم همه‌ی بیم‌ها از «روز حساب»، امید به رحمت واسعه و خاصه پروردگار در آغاز هر کاری بر لب مسلمانان ذکر بسم‌الله الرحمن الرحیم را جاری می‌کند.

اما ذات پروردگار که دعاها را برای انسان آن است، چنان بزرگ است که توصیف و تصور آن ناممکن به‌نظر می‌رسد. او آفرینشگر، نگهدارنده، مالک روز جزا، آن وجود اول و آخر، ظاهر و باطن (سوره‌ی حدید ۳) است. همان‌گونه که در قرآن توصیف شده و همه چیز را آفریده تا او را بندگی کنند و بستانند (سوره‌ی ذاریات ۵۶) و نمی‌توان جز در لفظ وجود او را بیان کرد.

وظیفه‌ی شاعر ستایش پروردگار از زبان همه‌ی مخلوقات است و مؤمنان پیوسته می‌گویند که به‌رغم وجود خدا تر از همه‌ی مفاهیم پروردگار، او با آفرینش، خویشی را جلوه‌گر کرده است؛ این چنین است که بازتاب جمالش بر باغ‌ها و انسان‌ها می‌افتد و او را که هر چه در

آسمان و زمین است، از آن اوست (سوره‌ی بقره ۲۵۵)، فقط با دل عاشق می‌توان دید و اگر کسی همچون او بی‌نیاز شود، خود را به او می‌شناساند.

مجموعه‌ی حاضر نیز بر همین اساس گردآوری شده است. هدف من آن نیست که یکی از آثار مجموعه اندیشه‌های زرین را ارائه دهم، بلکه می‌خواهم سخنان حکمت‌آمیز مسلمانان را از جنبه‌های گوناگون کنار هم قرار دهم و خواننده را با تنوع موضوعی آنها آشنا کنم. از این رو، از ضرب‌المثل‌های عامیانه تا سخنان عارفان بزرگ را در کنار هم آورده‌ام.

ابن عبد ربّه اهل قرطبه در قرن چهارم هجری می‌گوید:
«هر انتخابی که کسی انجام می‌دهد، نشانه‌ی خرد

اوست.»

یا شاید بهتر است به این حدیث پیامبر عمل کنم که می‌فرمایند:
«آن‌کس که سکوت کند، نجات می‌یابد»؟

آنه‌ماری شمل